

# دغدغه‌های دخترانه

تفاوت‌های جنسیتی ساختگی بین فرزندان بر نقش‌پذیری آن‌ها در آینده اثر می‌گذارد

زندگی‌نو

شنبه  
۲۲ خرداد ۱۴۰۰  
ادبی‌العدد ۱۴۴۶ شماره ۳۴۰۶

(۴)

تفاوت و تبعیض بین دختر و پسر موضوعی نیست که به امروز و دیروز یا این فرهنگ و آن فرهنگ برگردد. بیش و کم در همه طول تاریخ و بین همه اقوام و نژادها وجود داشته‌است. کشور توسعه یافته و جهان سومی هم ندارد. ظهور و بروز فمینیسم در کشورهای اروپایی، موضوعی است که آثار منفی آن این روزها به شکل دیگری خودش را نشان می‌دهد: تمایل به تغییر جنسیت، خودداری از ازدواج و پذیرش نقش‌های زنانه، علاقه به انجام فعالیت‌های خشن و مردانه و... کارشناسان حوزه روان‌شناسی نیز درباره بی‌تفاوتی جامعه به این موضوع هشدار می‌دهند زیرا پیامدهای آن سال‌هاست گریبان‌گیر جامعه شده و همه به دنبال علاج موقتی درد هستند.



معصومه متین نژاد

m.matinnezhad@shihiranews.ir

## درد دل‌های دخترانه

دختر بودن سن و سال ندارد. همین که دختر به دنیا آمده باشی، کافی است تا بتوانی درباره همه دغدغه‌های دخترانه حرف بزنی چون حتی اگر خودت آن‌ها را تجربه نکرده باشی، بین نزدیک‌ترین دوستان و بستگان آن‌ها را لمس کرده‌ای. اجازه بدهید در ادامه تنها به چند نمونه اشاره کنیم، تجربه‌هایی که مشتی نشانه خروار است.

● سمیرا ۲۸ سال دارد و کارمند بخش اداری یک سازمان است. از اینکه همیشه از تساوی حقوق زن و مرد می‌شنود و در عمل خبری از آن نیست، به شدت شاکه است. موضوع هم به تفریعی برمی‌گردد که پس از ۵ سال خدمت در یک جایگاه شغلی و با وجود همه شایستگی‌هایی که داشته و مستحقش بوده‌است، فقط به دلیل جنسیتش به او نداده‌اند. می‌گوید: «این یک نمونه کوچک از تبعیض‌های اجتماعی است که همیشه شاهدش بوده‌ایم و کاری از دستمان بر نمی‌آید. من ساعت‌های بیشتری از آنچه باید در محل کارم وقت می‌گذارم. انتظار مدیرم نیز این است که تا کار تمام نشده، میزبان را ترک نکنیم ولی چند روز پیش که قرار بود بعد از ماه‌ها گمانه‌زنی بالآخره پستی را که شایسته‌اش بودم به من بدهند، مدیرم فقط با این بهانه که آقای فلانی وقت آزادتری دارد و بعد از ظهرها در صورت نیاز می‌تواند بیشتر در اداره بماند، آن را به همکارم دادند، همکاری که نه سابقه کاری بیشتر و نه توانایی‌هایی بهتر از من دارد.»

● آسیه ۱۴ سال دارد. تیپ پسرانه می‌زند و از جنسیتش به شدت ناراضی است. چنین ابراز عقیده می‌کند: «اگر روزی امکان تغییر آزادانه جنسیت وجود داشته‌باشد، این کار را می‌کنم.» او یک برادر شانزده‌ساله دارد. آزادی عمل بیش از اندازه‌ای که والدینش برای برادرش قائل هستند و در عوض محدودیت زیادی که برای او ایجاد کرده‌اند، سبب شده است آسیه این قدر ناراضی و شاکه باشد: «تا هفت هشت سالگی همیشه لباس پسرانه می‌پوشیدم و همراه با برادرم توی کوچه بازی می‌کردم، ولی یک مرتبه همه چیز تغییر کرد. سخت‌گیری‌های پدر و مادرم فقط به اسم اینکه تو دختر هستی شروع شد. حتی به نحوه خندیدنم گیر می‌دادند. شرایط برادرم از قبیل خیلی بهتر شده بود. یعنی آزادی بیشتری داشت، ولی من روز به روز وضعیتم و محدودیت‌هایم بیشتر می‌شد. این جمله مادرم بیش از هر حرفی روی اعصابم است: «زنته برای یه دختر!» بابا، چرا هیچ‌کس نمی‌خواهد بفهمد من نمی‌خواهم یک دختر باشم!»

● زهرا ۲۴ سال دارد و یک همشهری دوست‌داشتنی افغانستانی است، از آن دخترهای محبوب و آرامی که بوی دخترانه‌های چند دهه پیش را می‌دهد. با همه متانتی که در ظاهرش دارد، پای درد دل که می‌رسد، دل‌پری دارد. می‌گوید: «تفاوت و تبعیض جنسیتی مرز نمی‌شناسد. فقط نوع آن از یک منطقه به منطقه دیگر متفاوت می‌شود. من تنها دختر خانواده‌ام و ۵ برادر دارم. اگر از پدرم بپرسید چند فرزند دارد، به شما می‌گوید: «۵ تا بچه دارم و یک دختر.» این نگاهی است که در بقیه امور زندگی‌مان هم جاری است. خیلی سخت است که نزدیک‌ترین عزیزانت کمترین حقوق تو در زندگی، یعنی فرزندی، را هم به رسمیت نشانند.»

● سارا ۳۲ سال دارد و یک کارآفرین موفق است. با وجود موفقیت‌ها و خوشی‌های زیادی که در زندگی تجربه کرده‌است، وقتی از دغدغه‌های دخترانه صحبت می‌شود، به یک خاطره کوتاه بسنده می‌کند: «وقتی هفت هشت سالم بود، مادر بزرگم برایم تعریف کرد که زمان تولدم، پدرم با یک کارتون شیرینی به بیمارستان می‌آید و اولین سؤالی که از مادرم می‌پرسد این است که «بچه پسره دیگه؟» و وقتی با «شرمندگی» مادرم روبه‌رو می‌شود، کارتن شیرینی را همان‌جا رها می‌کند و بیرون می‌رود که متوجه گریه شدید هم‌اتاقی مادرم به دلیل مرگ نوزادش می‌شود. برای آنکه نشان بدهد آن زن چیز زیادی را از دست نداده‌است، در کمال خون‌سردی و بدون کمترین تأملی، مرزبان‌ی به آن زن پیش‌کش می‌کند. این خاطره شاید از نظر خیلی‌ها بی‌ارزش و بی‌اهمیت باشد، اما همیشه با من هست و آرام می‌دهد.»